خطی از خطه سوم: ادبیات ویتنام

نوراحمر، همایون

ادبیات ویتنام

نویسندگی پیش از آغاز عصر مسیحیت از چین به ویتنام راه‏ یافت و ترکیبات اولیهء ادبی در ویتنام،چه منظو و چه منثور، طبق قواعد و قراردادهای چینی به رشته تحریر درمی‏آمد.

نگوین ترائی( Nguyen Trai )و له تک( Le Tac )از جمله‏ نویسندگان این دوره بودند.نگوین ترائی سیاستمدار،ادیب و شاعر ویتنامی(1380-1442)در نظم و نثر دستی توانا داشت و نخستین کتاب جغرافیا را به زبان چینی تألیف کرد.له تک هم‏ (قرن سیزدهم)هنگام حمله مغولان به ویتنام در 1284،پست و مقامی شامخ به دست آورد و به دشمن پیوست.اما پس از شکست مغولان در 1285 به چین رفت و بقیهء عمر خود را در آنجا گذرانید.او در 1300 تاریخ ویتنام را نوشت.

سنت نوشتاری چینی تا اواخر قرن نوزدهم،در ادبیات‏ ویتنامی ادامه یافت،اما از این پس آثار ویتنامی از آثار چینی، بیشتر از لحاظ موضوع و سبک،متمایز شد.

روش نوشتاری به زبان ویتنامی بعدا با سبک چینی در شخصیتها توسعه یافت.این شخصیتها که برای چینیها غیر قابل‏ فهم بود،نام«نوم»( Nom )ره به خود گرفته و به ادبیات ویتنامی‏ راسته و طریقه‏ای از نوع B 2تفویض کردند.

نوشتن به سبک شخصیتهای«نوم»تا اوائل قرن سیزدهم‏ ادامه یافت،اما با رشد ادبیات ویتنامی ادبیات«نوم»کم‏کم از شکلهای چینی دور شد تا آنکه شخصیتی متمایز پیدا کرد.

زیباترین دورهء ادبیات ویتنامی با شخصیتهای«نوم»از اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم پدیدار شد.

مبلّغان مسیحی از اروپا که ابتدا،در اوائل قرن هفدهم به‏ ویتنام رسیدند،شخصیتهای ناجوری در ادبیات ویتنام یافتند.از این‏رو متن داستان‏گونه‏ای به نام«کواوک نگو»( Quoc Ngu ) پدید آوردند که می‏توانست در مدّت کوتاهی آموزش داده شود. مدتی بس طولانی،نوشتن به سبک کواوک نکو در حیطهء کار مسیحیان ویتنامی بود،اما ورود فرانسویان در قرن نوزدهم بر تمام ادبیات ویتنام اثر گذاشت و امروزه یعنی در قرن بیستم، ادبیات ویتنامی به‏گونهء کواوک نگو نوشته می‏شود.

«تو-لوک وان-دوان»(- Doan van luc - Tu )انجمنی از نویسندگان ویتنامی بود که در 1930 شکوفا شد و اثری فراوان بر نثر داستانی ویتنام گذاشت.اعضای این انجمن،خود تحت تأثیر رمان‏نویسان غربی قرار گرفتند،خصوصا آن‏که‏ فرانسه نفوذش را بر ادبیات ویتنامی محکم کرد و سبکی کاملا نو در این سرزمین پدید آورد.

سبک زندهء داستانی،زبان روزمرهء عبارات بلند مکالمه‏ای و درون‏گرایی،فرم و قالب رمان ویتنامی را تغییر داد.

پس از تفکیک ویتنام نیروهای مسلح آمریکا از نگودینه دیم‏ ( Ngo Dinh Diem )حمایت کردند تا به شکنجه و آزار مردمی‏ که در ویتنام جنوبی باقی مانده بودند،بپردازد.نگودینه دیم‏ کوشید با وحشت و ترور و کشتن و زندانی کردن دهها هزار ویتنامی حکومت خود را تحکیم بخشد.با این‏حال،او و مشاوران آمریکائی خود نتوانستند ارادهء مردم را درهم شکنند. گروه بزرگی از روستائیان که ده سال ضد سیاست استعماری‏ فرانسه جنگیده بودند،از گردن نهادن به خواسته‏های رژیم‏ مالکان بزرگ ابا ورزیدند و درعوض خود را برای آغاز جنگ‏ جدید مردمی،آماده کردند.آنها اشعار و سروده‏هائی را که طی‏ مبارزات اولیه بر سر زبانها بود،زنده نگاه داشتند و بدین‏گونه‏ متون ادبی جدیدی که از لزوم ادامهء مقاومت در آنها سخن گفته‏ شده بود،پدید آمد.

در 1960 وقتی تقاضای مردم از نمایندگان آمریکائی‏ بی‏نتیجه ماند و مذاکرات سیاسی غیر ممکن شد،مردم از نواحی‏ گوناگون ویتنام جنوبی به جبههء آزادیبخش ملی پیوستند و در 1961 منازعه با ارتش آمریکا که م خواست ویتنام جنوبی را مستعمرهء دول متحده کند،آغاز گشت.

از این زمان به بعد ادبیاتی غنی و ستیزگر در نواحی آزاد ویتنام جنوبی جان و توان گرفت.هفتاد و پنج مجله هفتگی و ماهانه،با وسائل دستی تکثیر به چاپ می‏رسید و انتشار می‏یافت و ظرف یک‏ماه تیراژ آنها به 325000 رسیدند که در نواحی مختلف میان مردم و غالبا در خط مقدم جبهه توزیع‏ می‏شدند.غیر از این مجلات که داستانهای کوتاه،اشعار، آوازهای غنائی،اخبار جبهه و برداشتهای سیاسی را دربر می‏گرفتند،نشریاتی دربارهء علوم تجربی،نظری،فنی و علمی‏ نیز پدید آمد.موضوعهای اصلی این مجلات ادبی تجزیه و تحلیل و به تصویر کشیدن دوران استعمارگرانهء فرانسویان حاکم‏ بر ویتنام بود و شاهدی عینی از جنگهای آزادیبخش ضد فرانسه، شرح اوضاع در زمان نگودینه دیم و دیگرگونی در نواحی آزاد شده،شرح ساختاری ویتنام شمالی و بالاتر از آن تفسیرهائی از جنگ بود.

همهء نویسندگان این دوران از گروههای پارتیزانی برخاسته‏ بودند و بیشترشان زن بودند.در حقیقت بیشتر نویسندگانی که‏ روز و شب به وسیلهء سلاحهایشان می‏جنگیدند،همچنان در راههای تعلیم و تربیت گام برمی‏داشتند،به تنویر افکار مردم‏ می‏پرداختند،و مطالعات ادبی را دنبال می‏کردند.طرحهائی‏ برای نوشتن داستانها و مقالات بطور حجمی مورد بحث قرار می‏گرفت،سرودهایی ساخته می‏شد و نمایشنامه‏هائی بر صحنه‏ اجرا می‏شدند.

یکتائی،قدرت بیان،و نیروی هنرمندانه این آثار کمتر از دقت و سختگیری محتوای اشتراکی آنان نبود.صدای شبانهء این‏ مردم،بیشتر از پناهگاهایشان به گوش می‏رسید.یکی از حمله‏ به دشمن سخن می‏گفت و دیگری دربارهء دشمن یا دشمنان این‏ سرزمین حرف می‏زد.صدای زنی که لبریز از نفرت بود،و از حملهء مزدوران به دهکده کینه به دل گرفته بود،به گوش‏ می‏رسید.چند تن با هم سرودی را سر می‏دادند.این صداها بیشتر صدای پارتیزانها بود،اما هرآن ممکن بود که این صداها خاموش شوند و دیگر به گوش نرسند.

ادبیات این دوران نوعی انسان‏گرایی جدید پدید آورد.در حقیقت ادبیات دمیای واپسین بود،ادبیاتی که ما آن را ادبیات‏ جهان سوم می‏نامیم.

این ادبیات در ترکیب و سیما رئالیستی-ناتورالیستی بود که‏ عناصر اکسپرسیونیستی را هم در خود داشت.

از چند جهت ادبیات ویتنام جنوبی به ادبیات ویتنام شمالی‏ شباهت داشت و جدا کردن آنها از هم کار نادرستی بود.

در زمان حکومت نگودینه دیم،سایگون،ادبیات‏ فرصت‏طلبی،سازواری و انقیاد را عرضه کرد.نویسندگانی که‏ خود را در اختیار سیاست ضد کمونیستی می‏گذاشتند،کمک‏ هزینه زندگی دریافت می‏کردند.زیر برچسب استقلال‏خواهی‏ به جنگ روانی یاری می‏رساندند،زندگی آمریکائی را می‏ستودند،و تفاوتی میان جنگ عادلانه و غیر عادلانه‏ نمی‏گذاشتند.